DOI: *10.29252/rbs.19.3.439*

Journal of Research in Behavioral Sciences

Year 2021, Volume 19, Issue 3

Analysis of structural equations of emotional distress based on family emotional atmosphere and attachment styles mediated by differentiation and body image of married people

Shirin Shahmardi[1], **Taghi Pourebrahim**[2], **Mohammad Bagher Hobbi**[3]

1. PhD student, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University. Tehran Iran
2. (Corresponding author)* Assistant Professor. Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
3. Professor, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Imam Hussein University

Abstract

Aim and Background: Research has shown that emotional distress can be affected by body image and family circumstances. Therefore; the aim of this study was to analyze the structural equations of emotional malaise based on family emotional atmosphere and attachment styles mediated by differentiation and body image.

Methods and Materials: The research method is descriptive-correlation of structural equations. The statistical population consisted of all married men and women living in District 2 of Tehran in 1399. The sample size was estimated to be 400 using the method proposed by Schumacher and Lomax (2004). Sampling method was available and online. Research tools included questionnaires including Toronto Mood Disorder (1994), Hillburn Family Emotional Atmosphere (1964), Collins and Reed Attachment Styles (1990), Scorne and Friedlander (1988) Differentiation, and Director and Garcia (2002) Body Image. They were. To analyze the data, structural equation modeling technique was used in AMOS software environment.

Findings: Findings showed that anxious attachment style has a positive and dependency and closeness style, family emotional atmosphere, self-differentiation and body image have a negative and significant effect on emotional malaise. It also mediates the effect of anxiety attachment style on emotional malaise in a positive way and the effect of closeness attachment style on emotional malaise in a negative and significant way. Body image mediates the effect of anxiety attachment style on emotional malaise in a positive way and the effect of closeness attachment style on emotional malaise in a negative and meaningful way. Self-differentiation mediates AND Body images the effect of family emotional climate on emotional malaise in a negative and meaningful way.

Conclusions: It seems that improving the emotional atmosphere of the family and attachment style, both directly and by increasing their self-esteem and improving their body image, is effective in reducing emotional distress in married people.

Keywords: Emotional Distress, Emotional Atmosphere, Attachment Style, Differentiation, Body Image

Citation: Shahmardi S, Pourebrahim T, Hobbi MB. **Analysis of structural equations of emotional distress based on family emotional atmosphere and attachment styles mediated by differentiation and body image of married people**. Res Behav Sci 2021; 19(3): 439-453.

* **Taghi Pourebrahim**
Email: t_pourebrahim@sbu.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

تحلیل معادلات ساختاری ناگویی هیجانی براساس جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری تمایزیافتگی و تصویر بدنی افراد متأهل

شیرین شاهمردی[۱]، تقی پور ابراهیم[۲]*، محمدباقر حبّی[۳]

۱- دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی. تهران، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)* استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استاد. گروه روان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی. تهران، ایران. دانشگاه جامع امام حسین (ع)

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]

[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

چکیده

زمینه و هدف: تحقیقات نشان داده‌اند که ناگویی هیجانی می‌تواند متأثر از تصویر بدنی و شرایط خانوادگی باشد؛ بنابراین؛ پژوهش حاضر باهدف تحلیل معادلات ساختاری ناگویی هیجانی بر اساس جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری تمایزیافتگی و تصویر بدنی انجام شد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش توصیفی–همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری، متشکل از کلیه زنان و مردان متأهل ساکن منطقه ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. حجم نمونه با استفاده از روش پیشنهادی شوماخر و لوماکس (۲۰۰۴)، ۴۰۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس و آنلاین انجام شد. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه‌های پژوهش شامل ناگویی خلقی تورنتو (۱۹۹۴)، جو عاطفی خانواده هیل برن (۱۹۶۴)، سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰)، تمایزیافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۸۸) و تصویر بدنی مدیروس و گارسیا (۲۰۰۲)، بودند. جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که سبک دلبستگی اضطرابی به‌صورت مثبت و سبک وابستگی و نزدیک بودن، جو عاطفی خانواده، تمایزیافتگی خود و تصویر بدنی به‌صورت منفی و معنادار بر ناگویی هیجانی اثر دارند. همچنین تمایزیافتگی خود، اثر سبک دلبستگی اضطرابی بر ناگویی هیجانی را به‌صورت مثبت و اثر سبک دلبستگی نزدیک بودن بر ناگویی هیجانی را به‌صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند. تصویر بدنی اثر سبک دلبستگی اضطرابی بر ناگویی هیجانی را به‌صورت مثبت و اثر سبک دلبستگی نزدیک بودن بر ناگویی هیجانی را به‌صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند. تمایزیافتگی خود و تصویر بدنی اثر جو عاطفی خانواده بر ناگویی هیجانی را به‌صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که بهبود جو عاطفی خانواده و سبک دلبستگی هم به‌طور مستقیم و هم از طریق افزایش تمایزیافتگی خود و بهبود تصویر بدنی، در کاهش ناگویی هیجانی افراد متأهل مؤثر هستند.

واژه‌های کلیدی: ناگویی هیجانی، جو عاطفی، سبک دلبستگی، تمایزیافتگی، تصویر بدنی

ارجاع: شاهمردی شیرین، پورابراهیم تقی، حبّی محمدباقر. **تحلیل معادلات ساختاری ناگویی هیجانی براساس جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری تمایزیافتگی و تصویر بدنی افراد متأهل.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۰؛ ۱۹(۳): ۴۵۳-۴۳۹.

*- **تقی پور ابراهیم**

رایانامه: t_pourebrahim@sbu.ac.ir

مقدمه

تصویر بدنی، تصوری است که هر یک از انسان‌ها در مورد وضعیت جسمانی خود دارند؛ به عبارتی تصویر بدنی دربرگیرنده عقاید، احساسات آگاهانه و غیرآگاهانه در مورد بدن است (۱)؛ بنابراین تصویر ذهنی منفی از خود می‌تواند منجر به نارضایتی از بدن و احساس جذاب نبودن و درنهایت مشغولیت فکری نسبت به وضعیت ظاهری قسمتی از بدن و حتی در حد اختلال عملکرد شود (۲). پژوهش‌های متعددی ارتباط عدم رضایت از تصویر بدنی با اضطراب تنیدگی (۳)، فوبی اجتماعی (۴)، وسواس و اضطراب اجتماعی (۵) و حساسیت بین فردی را تائید کرده‌اند. در این راستا پژوهش‌های زیادی به بررسی نقش غیرمستقیم این متغیر بر سازه‌های مرتبط با روابط بین فردی ازجمله ناگویی هیجانی به‌ویژه در زوجین موضوعی پرداخته‌اند.

ازدواج رابطه‌ای دوجانبه و پیچیده بین زن و مرد است که نقش مهمی در فراهم کردن نیازهای روان‌شناختی، جسمی و هیجانی زوجین ایفا می‌نماید (۶). روابط بین زوجین می‌تواند منبع آرامش، پشتیبانی و لذت برای آن‌ها باشد، درحالی‌که این رابطه گاهی اوقات می‌تواند منبع اضطراب، ناامیدی و عدم رضایت زوجین را فراهم آورد (۷). در روابط بین زوجین، توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه رضایت‌بخش نیاز به شناسایی و ابراز هیجان‌ها و توانایی فهم و پذیرش هیجان‌های شریک مقابل دارد. یکی از موانع مهم در این زمینه، ناگویی هیجانی است (۸).

ناگویی هیجانی (ناگویی خلقی)، یک سازهٔ شناختی و هیجانی است که به‌عنوان فقدان خودآگاهی هیجانی توصیف می‌شود. درواقع ناگویی هیجانی به نارسایی در تجربه، بیان و تنظیم هیجان‌ها اطلاق می‌شود. ناگویی هیجانی اختلال در پردازش هیجانی است که بیشتر به کاهش توانمندی در شناسایی و تشخیص هیجان‌ها اشاره دارد (۹, ۱۰).

هرچقدر افراد بهتر بتوانند عواطف خود را مبادله کنند، در حد بهتری قادر به ایجاد رابطه می‌باشند و این منتهی به بهزیستی روانی و فیزیولوژیک بیشتر در آن‌ها می‌شود. البته ظرفیت اشخاص در ایجاد روابط عاطفی، باهم یکسان نیست (۱۱)؛ بنابراین وجود تفاوت در میزان توانمندی هیجانی افراد، لزوم بررسی عوامل مؤثر و مرتبط با ناگویی هیجانی را ضروری می‌سازد. به اعتقاد برخی نظریه‌پردازان، ازآنجاکه محیط خانواده جایی است که کودکان در مورد هیجان‌های خود، اجتماعی می‌شوند، بنابراین ویژگی‌های خانوادگی با ایجاد ناگویی هیجانی مرتبط است. وقتی افراد در خانواده‌های ایمن رشد می‌کنند و در بیان هیجان‌ها حمایت می‌شوند، می‌آموزند که چگونه هیجان‌ها را تجربه و شناسایی کنند (۱۲). در این راستا برخی پژوهش ازجمله رایکس و تامسون (۱۳)، جو عاطفی خانواده را به‌عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری هیجانات افراد خانواده گزارش کردند (۱۴).

با توجه به اینکه بیشتر عمر انسان درون محیط خانواده یا در ارتباط نزدیک با آن‌ها سپری می‌شود، بنابراین خصوصیات خلقی، هیجانی و شیوه‌های تربیتی والدین بر تحولات شناختی، عاطفی یا رفتاری کودک تأثیر دارد (۱۵). جو عاطفی خانواده به روابط والدین با فرزندان و چگونگی ارضای نیازهای عاطفی فرزند اشاره دارد که در این راستا لازم است که خانواده محیط سالم و آرامی برای فرزندان باشد تا چگونگی نحوه برخورد با مسائل و مشکلات اجتماعی را یاد بگیرند و بتوانند از راه معقول به حل آن بپردازند (۱۶). نحوه تعامل والدین باهم و همچنین با فرزندان در شکل‌گیری جو عاطفی خانواده تأثیر داشته (۱۷) و می‌تواند در بازخورهای هیجانی و رفتاری در مواقع خاص تأثیرگذار باشد (۱۸). تجربه‌های کودکی با مراقبانی که هیجان‌هایشان را نشان نمی‌دهند و ابراز نمی‌کنند. باکسانی که هیجان‌های در حال تحول و شکل‌گیری کودک را به رسمیت نمی‌شناسند و با هیجان کودک خوب رفتار نمی‌کنند، می‌تواند تأثیر عمیق بر تنظیم عاطفه در مراحل بعدی زندگی داشته باشد (۱۹) و فرد ازنظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شود (۲۰).

آنچه در مورد هیجان‌های خود و توانایی بازشناسی، توصیف و تنظیم عواطف خودمان می‌دانیم تا حدود زیادی تحت تأثیر تعامل‌های اولیه با مراقبت است. بر این اساس می‌توان تصور کرد که ناگویی هیجانی احتمالاً با سبک دلبستگی مرتبط است. پژوهش‌های انجام‌شده درزمینه رابطه سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی نشان داده‌اند که ویژگی‌های مربوط به ناگویی هیجانی در سبک‌های دلبستگی ناایمن بیشتر است (۲۱, ۲۲). کودکان رشد یافته در محیط‌هایی که ازنظر جسمانی و هیجانی ناآرام و ناامن بوده و از آشکارسازی هیجان‌ها ممانعت به عمل می‌آمده، مقابله موفق با هیجان‌هایشان را یاد نمی‌گیرند و درنتیجه از تجربه هیجان‌ها ناراحت می‌شوند (۲۳). این دشواری‌ها و فقدان سرمشق‌های مناسب برای ابزار هیجان ممکن است به نگرانی و دو سوگرایی در ابزار احساسات منتهی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

شود (۲۴). از میان بانفوذترین دیدگاه‌ها که تعاملات خانوادگی را بر مبنای رویکرد چند نسلی تبیین کرده‌اند می‌توان به نظریه سیستم‌های خانوادگی موری بوئن اشاره کرد که به‌عنوان ظرفیت افراد برای مدیریت هیجاناتشان، متفکر ماندن در حین تجربه هیجانات قوی و تجربه صمیمیت و استقلال در روابط، تعریف شده است (۲۵)، تمایزیافتگی خود است که از عوامل تأثیرگذار بر سازگاری افراد و روابط بین فردی است (۲۶). تمایزیافتگی از چهار مؤلفه تشکیل شده است: موقعیت من، واکنش هیجانی، همجوشی (امتزاج) و گسلش عاطفی. موقعیت من به‌طورکلی نشان دهندهٔ توانایی شخص در ارائه تعریف واضحی از هویت خویش و دارا بودن عقاید و باورهای مشخص در زندگی است. واکنش هیجانی نشانگر غلبه احساسات فرد بر عقل و منطقش است. به‌عبارت‌دیگر افرادی که ازلحاظ هیجانی واکنش‌پذیرند قادر به جداسازی احساس از تفکر نیستند و بیشتر پاسخ‌هایی که در شرایط تنش‌زا به محیط می‌دهند، پاسخ‌های هیجانی است تا عقلانی (۲۷). همجوشی، پدیده‌ای است که اجازه نمی‌دهد فرد، خودش را از خانواده متمایز کند و به دو جنبه اشاره دارد: اولاً نوعی همجوشی احساس و تفکر که طی آن، تفکر واقع‌بینانه تحت تأثیر تحریک‌پذیری قرار می‌گیرد، ثانیاً به نبود مرزها و فقدان فردیت میان دو یا چند نفر اشاره دارد که نمونهٔ آن روابط همزیستی است (۲۸). گسلش عاطفی بیانگر تمایل به خروج از رابطه و عقب‌نشینی عاطفی در شرایط تنش‌زاست (۲۹). اغلب افراد برای مقابله با وابستگی حل‌نشده از جدایی عاطفی بهره می‌گیرند. در این حالت فرد حسرت رابطه نزدیکی عاطفی را می‌خورد ولی از آن گریزان است (۳۰).

علاوه بر نقش خانواده بر تحولات شناختی، هیجانی یا رفتاری فرزندان، نگرش والدین و یا بستگان در برداشت فرد از خود (بدن خود و کارکرد آن) اثرات بسیاری را بر جای می‌گذارد. مادر از همان نخستین روزهای تولد کودک، با نحوه در آغوش گرفتن، غذا دادن، نوازش کردن و رفع نیازهای او، نگرش‌های خود را به فرزندش انتقال می‌دهد. بعدها تأیید یا عدم‌تأیید او نیز بر کلام فرد تأثیر می‌گذارد. افرادی که موردپذیرش خانواده قرار می‌گیرند، غالباً برای بدن خود در حد معقول ارزش قائل می‌شوند. از سوی دیگر زمانی که فرد تصور می‌کند بدن وی مطابق با انتظارات اطرافیان نیست خود را حقیر می‌شمارد. نوجوانانی که به‌واسطه زیباسازی اندام خود احساس امنیت می‌کنند، در مقایسه با کسانی که در خانواده به آن‌ها آموزش داده شد تا برای ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود ارزش قائل شوند در برابر هرگونه انحراف در شکل بدن آسیب‌پذیر بوده و از پذیرش واقعیت و یا سازگار با وضعیت جدید ناتوان‌اند. در این راستا نتایج پژوهش سبزواری و همکاران (۳۱) نشان می‌دهد که بین مؤلفه عملکرد خانواده با تصویر بدنی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

یکی از مسائل و دغدغه‌های پژوهشگران، موضوع تأثیرگذاری احتمالی متغیرهای واسطه‌ای (میانجی گر) در رابطه بین دو یا چند متغیر روان‌شناختی دیگر (متغیرهای پیش‌بین و ملاک) است. به همین دلیل، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی‌گری دو متغیر مهم روان‌شناختی، یعنی تمایزیافتگی و تصویر بدنی در رابطه بین جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی با ناگویی هیجانی است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی در بزرگ‌سالی، هم با ناگویی هیجانی رابطه دارند (۳۲) و هم تمایزیافتگی (۳۳) و تصویر بدنی (۳۱) را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

با توجه به اینکه از یک‌سو امروزه مشکلات هیجانی درصد بالایی از افراد جوامع مختلف را درگیر کرده است و از سوی دیگر، توانمندی و مهارت در به‌کارگیری مباحث هیجانی در کاهش اختلالات روانی مؤثر می‌باشد، بنابراین عوامل مؤثر در پیش‌بینی ناگویی هیجانی حائز اهمیت است. به‌ویژه بررسی عوامل مستقیم و غیرمستقیم در کنار هم در قالب یک مدل می‌تواند اطلاعات جامعی در راستای مطالعات روان‌شناختی فراهم نماید. برهمین اساس در این پژوهش محقق درصدد این است که نقش متغیرهای جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی را به‌طور مستقیم و همچنین نقش غیرمستقیم متغیرهای میانجی‌گری تمایزیافتگی و تصویر بدنی را در پیش‌بینی ناگویی هیجانی موردبررسی قرار دهد؛ و به این سؤال اساسی پاسخ دهد؛ آیا مدل مفروض پیش‌بینی ناگویی هیجانی بر اساس جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری تمایزیافتگی و تصویر بدنی با داده‌ها برازش دارد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری، متشکل از کلیه زنان و مردان متأهل ساکن منطقه ۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. برای برآورد حجم نمونه از روش پیشنهادی شوماخر و لوماکس (۳۴)

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

استفاده شد. آنان برای برآورد حجم نمونه در تحلیل مسیر و مدل یابی معادلات ساختاری روش نسبت شرکت‌کنندگان به تعداد پارامترهای مدل را معرفی کردند که در آن حجم نمونه مبتنی بر نسبت ۱:۲۰ شرکت‌کنندگان به پارامترهای مدل، حجم نمونه مطلوب تلقی می‌شود. در این پژوهش برای برآورد حجم نمونه با توجه به تعداد پارامتر مدل، به ازای هر پارامتر ۲۰ شرکت‌کننده در نظر گرفته شد و حجم نمونه درمجموع ۴۰۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس و آنلاین انجام شد و بدین‌صورت که لینک پرسشنامه آنلاین در شبکه‌های مجازی تلگرام و واتساپ قرار گرفت. از افراد متأهلی که ساکن منطقه دو بودند، خواسته شد تا با دقت به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. ملاک‌های ورود برای انتخاب افراد نمونه شامل: ۱- رضایت افراد برای شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌ها ۲- متأهل بودن ۳- نداشتن سابقه جدی پزشکی و روان‌پزشکی مستلزم مصرف دارو ۴- داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، بود. درنهایت بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، ۳۹۴ پرسشنامه جهت تجزیه‌وتحلیل وارد نرم‌افزار ایموس شدند.

پرسشنامه ناگویی خلقی تورنتو (TAS-20): این پرسشنامه در سال ۱۹۸۶ توسط تایلر ساخته شد و در سال ۱۹۹۴ توسط بگبی، پارکر و تایلر مورد تجدیدنظر قرار گرفت. مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو یک آزمون ۲۰ سوالی است و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی را شامل می‌شود. نمره‌گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بود که از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق سنجیده و بررسی شد. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو در پژوهش‌های متعدد بررسی و تائید شده است. در نسخه فارسی این مقیاس ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل ۸۵٪ و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات ۸۲٪، دشواری در توصیف احساسات ۷۵٪ و برای تفکر عینی ۷۲٪ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است (۳۵). روایی هم‌زمان مقیاس ناگویی هیجانی هم برحسب همبستگی بین زیرمقیاس‌های این آزمون و مقیاس‌های هوش هیجانی، بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی بررسی و مورد تائید قرار گرفت (۳۶).

پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیل برن: پرسشنامه جو عاطفی خانواده در سال (۱۹۶۴) توسط هیل برن ارزیابی جو عاطفی خانواده (رابطه پدر – فرزندی و رابطه مادر – فرزندی یعنی محبت، نوازش، تائید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد، احساس امنیت) طراحی و تدوین‌شده است. این پرسشنامه دارای ۱۶ سؤال و ۸ بعد (محبت، نوازش، تائید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت) می‌باشد و بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با سؤالاتی به سنجش جو عاطفی خانواده می‌پردازد. هر دو سؤال یکی از خرده مؤلفه‌های جو عاطفی را اندازه‌گیری می‌کنند. سؤالات زوج رابطه پدر – فرزندی و سؤالات فرد رابطه مادر – فرزندی را اندازه‌گیری می‌کنند. جمع کل نمره پدر – فرزندی ۴۰ و مادر – فرزندی نیز ۴۰ است. در مطالعات مختلف روایی و پایایی بالایی گزارش‌شده است (۳۷).

پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی کولینزو رید: این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ داده می‌باشد. که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، سنجیده می‌شود. این پرسش‌نامه توسط کولینزو رید در سال (۱۹۹۰) تهیه‌شده که نانسی کولینز در سال (۱۹۹۶) آن را اصلاح کرد. در ایران پاک‌دامن در سال ۱۳۸۰ این پرسش‌نامه را بررسی و روایی کرد. با تحلیل عوامل،۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است، مشخص می‌شود. سه مقیاس عبارت‌اند از: وابستگی، نزدیک بودن و اضطرابی. در پژوهش کولینز و رید (۳۸)، با توجه به اینکه آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است. آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. برای بررسی روایی سازه پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس مؤید وجود ۳ عامل سبک دلبستگی ایمن (نزدیک بودن)، اجتنابی (عکس سبک دلبستگی وابستگی) و دوسوگرا (سبک اضطرابی) در پرسشنامه بود. این سه عامل ۳۰ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند، بنابراین روایی سازه این پرسشنامه مورد تأیید است (۳۹).

پرسشنامه تمایزیافتگی خود (DSI-R): فرم اولیه‌ی این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر ساخته شد و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت، مورد تجدیدنظر قرار گرفت و پرسشنامه‌ی نهایی آن توسط جکسون در ۴۶ ماده بر مبنای نظریه‌ی بوئن ساخته شد (۴۰). آیتم‌های این پرسشنامه

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

در یک طیف لیکرت از ۱(اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس شامل چهار خرده مقیاس واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلش عاطفی و آمیختگی با دیگران می‌باشد. حداکثر نمره واقعی ۲۷۶ است. نمره‌ی کمتر این پرسشنامه، نشانه سطوح پایین‌تر تمایزیافتگی است. پاشا شریفی (۴۱)، ضرایب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه کرد که پایایی بالای این پرسشنامه را نشان می‌دهد. روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی بیانگر تائید چهار عامل واکنش‌پذیری هیجانی، موقعیت من، گسلش عاطفی و هم آمیختگی با دیگران بود (۴۲). در پژوهش رضائیان و همکارانش (۴۳)، ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های واکنش عاطفی، گسلش عاطفی، موقعیت من و آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۶۴، ۰/۵۳ و ۰/۷۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمد. روایی محتوایی این پرسشنامه از روش همسانی درونی ۰/۸۳ گزارش شده است.

آزمون تصویر بدنی: پرسشنامه تصویر بدنی شامل ۲۳ ماده و به‌صورت یک مقیاس ۵ درجه‌ای است. این آزمون توسط مدیروس سوتو و گارسیا (۴۴)، ساخته شده است. این مقیاس بر اساس مفهوم تصویر بدنی ساخته شده است. تصویر بدنی یک مؤلفه از خود پنداره است که جنبه‌های بدنی، اجتماعی و فرهنگی و تجارب شخصی بین فردی را در برمی‌گیرد. این سازه مجموعۀ ارزش‌ها، باورها، احساسات، رفتارها و نگرش‌هاست که فرد دربارۀ بدن خویش دارد (هشیار یا ناهشیار). درنتیجه، تصویر بدنی از سه بعد برخوردار است: واقعیت بدنی، بدن آرمانی و نمود بدنی. مدیروس سوتو و گارسیا (۴۴)، پس از انتخاب ۴۵ ماده به‌عنوان ماده‌های آغازین، با محاسبات آماری تعداد آن‌ها را به ۲۳ تقلیل دادند و این ۲۳ ماده دارای خصوصیات روان‌سنجی بسیار مطلوبی‌اند. همسانی درونی آزمون برابر با ۹۱/. است. طاهری تربتی (۴۵) ضریب آلفای کرونباخ آزمون را برابر با ۹۱/. گزارش کرده است.

روش آماری

به‌منظور تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و روش‌های استنباطی از تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌ها

تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در این پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. در بخش آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان توصیف و میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش تحلیل و گزارش شده است. در بخش آمار استنباطی، جهت نرمال بودن نمونه موردبررسی از آزمون نرمالیته کلموگروف- اسیرونوف و جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار ایموس استفاده شد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر		تعداد	درصد
جنسیت	زن	۲۴۳	۶۱/۷
	مرد	۱۵۱	۳۸/۳
سن مادر	کمتر از ۳۰ سال	۴۵	۱۱/۴
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۷۶	۴۴/۷
	۴۱ تا ۵۰ سال	۱۵۳	۳۸/۸
	بالاتر از ۵۰ سال	۲۰	۵/۱
میزان تحصیلات	دیپلم	۳۱	۷/۹
	کاردانی	۴۲	۱۰/۷
	کارشناسی	۲۰۶	۵۲/۳
	کارشناسی ارشد	۸۶	۲۱/۸
	دکتری	۲۹	۷/۴
وضعیت شغلی	بی‌کار	۴۲	۱۰/۷
	کارمند	۱۱۲	۲۸/۴
	فرهنگی	۹۹	۲۵/۱
	آزاد	۵۸	۱۴/۷
	سایر	۸۳	۲۱/۱
	مجموع	۳۹۴	۱۰۰

جدول ۲ میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی و ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. براساس آن ضرایب آلفای کرونباخ همه متغیرها و مؤلفه‌ها نزدیک به یا بالاتر از ۰/۷ است. این موضوع بیانگر آن است که گویه‌های پرسشنامه‌های به کار گرفته‌شده برای سنجش متغیرهای پژوهش حاضر از همسانی درونی قابل قبولی برخوردارند. همچنین ارزش‌های کشیدگی و چولگی همه متغیرها در محدوده ۲± است. این مطلب بیانگر آن است که توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از نرمال بودن تک متغیری انحراف آشکاری نشان نمی‌دهند.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

جـدول ۳، همبسـتگی‌های بـین متغیرهـای پـژوهش را نشـان می‌دهد.

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی و ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	آلفای کرونباخ
سبک دلبستگی- وابستگی	۱۱/۰۷	۳/۲۷	-۰/۵۸	-۰/۷۵	۰/۷۳
سبک دلبستگی- نزدیک بودن	۱۰/۸۴	۳/۱۳	-۰/۳۵	-۱/۱۵	۰/۶۷
سبک دلبستگی- اضطرابی	۸/۸۰	۲/۱۹	۰/۵۶	-۰/۷۹	۰/۸۳
جو عاطفی خانواده	۵۳/۶۰	۱۱/۷۶	-۱/۱۵	۰/۲۲	۰/۸۹
تصویر بدنی	۸۵/۵۹	۱۲/۲۵	-۱/۱۲	۰/۵۷	۰/۹۲
تمایزیافتگی خود-واکنش پذیری	۳۵/۵۵	۸/۲۹	۰/۳۰	-۰/۶۳	۰/۷۸۰
تمایزیافتگی خود- جایگاه من	۴۰/۹۱	۸/۱۲	-۰/۶۳	-۰/۰۴	۰/۶۸
تمایزیافتگی خود- گریز عاطفی	۵۱/۲۴	۱۲/۰۷	-۰/۶۷	-۰/۴۱	۰/۷۹
تمایزیافتگی خود- هم آمیختگی	۳۶/۰۶	۸/۳۷	۰/۳۰	۰/۵۹	۰/۸۳
ناگویی هیجانی- دشواری در تشخیص	۱۹/۱۱	۴/۱۷	۰/۰۲	۰/۴۷	۰/۷۷
ناگویی هیجانی- دشواری در توصیف	۱۳/۵۲	۳/۹۸	۰/۴۶	-۱/۱۱	۰/۹۲
ناگویی هیجانی- تفکر خارجی	۱۶/۶۷	۵/۰۵	۰/۳۷	-۰/۷۷	۰/۸۵

بـا توجـه بـه جـدول ۳ سـبک‌های وابسـتگی و نزدیکـی دلبسـتگی به‌صـورت منفـی و در سـطح معنـاداری ۰/۰۱ بـا مؤلفه‌های سه‌گانه نـاگویی هیجـانی همبسـته بودنـد. همچنـین سبک اضطرابی دلبستگی با مؤلفه دشواری در توصـیف نـاگویی هیجانی به‌صورت مثبت و در سطح معنـاداری ۰/۰۵ و بـا دیگـر مؤلفـه‌های آن به‌صـورت مثبـت و در سـطح معنـاداری ۰/۰۱ همبسته بود. لازم به توضیح است که متغیرهای تصویر بـدنی و جو عاطفی خانواده به‌مانند مؤلفه‌های تمایزیافتگی خود به‌صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ با مؤلفه‌های نـاگویی هیجـانی همبسته بودند.

جدول ۳: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. سبک دلبستگی- وابستگی	-										
۲. سبک دلبستگی- نزدیک بودن	۰/۲۱**	-									
۳. سبک دلبستگی- اضطرابی	-۰/۱۸**	-۰/۳۲**	-								
۴. جو عاطفی خانواده	۰/۲۹**	۰/۳۸**	-۰/۱۹**	-							
۵. تصویر بدنی	۰/۲۳**	۰/۴۲**	-۰/۲۹**	۰/۱۶**	-						
۶. تمایزیافتگی خود-واکنش پذیری	۰/۲۱**	۰/۲۶**	-۰/۱۶**	۰/۱۱*	۰/۰۹	-					
۷. تمایزیافتگی خود- جایگاه من	۰/۱۹**	۰/۱۷**	-۰/۲۲**	۰/۱۵**	۰/۱۲*	۰/۵۲**	-				
۸. تمایزیافتگی خود- گریز عاطفی	۰/۲۲**	۰/۲۸**	-۰/۲۵**	۰/۲۲**	۰/۰۴	۰/۳۵**	۰/۳۶**	-			
۹. تمایزیافتگی خود- هم آمیختگی	۰/۱۶**	۰/۲۴**	-۰/۱۹**	۰/۲۶**	۰/۰۶	۰/۳۷**	۰/۴۷**	۰/۴۳**	-		
۱۰. نـاگویی هیجـانی- دشـواری در تشخیص	-۰/۱۴**	-۰/۱۸**	۰/۳۰**	-۰/۱۹**	-۰/۱۵**	-۰/۲۷**	-۰/۲۲**	-/۲۶**	-۰/۳۸**	-	
۱۱. نـاگویی هیجـانی- دشـواری در توصیف	-۰/۲۷**	-۰/۳۱**	۰/۱۲*	-۰/۲۳**	-۰/۱۶**	-۰/۳۳**	-۰/۲۹**	-۰/۲۱**	-۰/۲۵**	۰/۴۸**	-
۱۲. ناگویی هیجانی- تفکر خارجی	-۰/۳۲**	-۰/۲۴**	۰/۲۹**	-۰/۱۷**	-۰/۲۴**	-۰/۱۹**	-۰/۳۰**	-۰/۴۲**	-۰/۳۲**	۰/۳۹**	۰/۴۲**
P** <۰/۰۱ و P* <۰/۰۵											

لازم به توضیح است که به‌منظور ارزیابی نرمال بودن توزیـع داده‌های تک متغیری، کشیدگی و چـولگی و بـه‌منظور ارزیـابی مفروضه هم خطی بودن، عامل تورم واریانس (VIF) و ضـریب تحمل تک‌تک متغیرها موردبررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

که دو مفروضه مزبور در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرارند. همچنین تحلیل اطلاعات مربوط به « فاصله مهلنوبایس» نیز نشان داد که توزیع اطلاعات چند متغیری در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. در مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر چنین فرض شده بود که متغیر مکنون تمایزیافتگی خود به‌وسیله نشانگرهای واکنش‌پذیری، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی و متغیر مکنون ناگویی هیجانی به‌وسیله نشانگرهای دشواری در تشخیص، دشواری در توصیف و تفکر خارجی سنجیده می‌شود. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری پژوهش به‌وسیله تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS 24.0 و برآورد بیشینه احتمال (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. بررسی شاخص‌های برازندگی به‌دست‌آمده نشان داد که به‌استثنای شاخص برازندگی RMSEA و کای اسکوئر نرم شده، دیگر شاخص‌های برازندگی به‌دست‌آمده از برازش قابل‌قبول مدل اندازه‌گیری اولیه با داده‌های گردآوری‌شده حمایت می‌کنند (χ^2/df=۷/۳۱، CFI =۰/۹۷۰، GFI =۰/۹۵۶، AGFI =۰/۸۶۳ و RMSEA =۰/۱۲۸). با توجه به اهمیت شاخص RMSEA و کای اسکوئر نرم شده، شاخص‌های اصلاح ارزیابی و نتایج نشان داد که اگر بین خطاهای دو نشانگر گریز عاطفی و هم آمیختگی از یک‌سو و دشواری در توصیف و تفکر خارجی از سوی دیگر کوواریانس ایجاد شود، شاخص‌های برازندگی مطلوب‌تری به دست خواهد آمد (χ^2/df=۲/۷۵، CFI =۰/۹۹۳، GFI =۰/۹۸۵، AGFI =۰/۹۴۸ و RMSEA =۰/۰۶۷)؛ بنابراین با ایجاد کوواریانس بین نشانگرهای مزبور مدل اندازه‌گیری اصلاح شد. جدول ۴، بارهای عاملی استانداردشده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی را برای هر یک از نشانگرهای متغیرهای مکنون نشان می‌دهد.

جدول ٤. پارامترهای مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیر مکنون- نشان‌گر	b	β	SE	t
تمایزیافتگی خود-واکنش پذیری	۱	۰/۸۵۱		
تمایزیافتگی خود- جایگاه من	۰/۹۶۵	۰/۸۲۷	۰/۰۴۶	۲۰/۸۷**
تمایزیافتگی خود- گریز عاطفی	۱/۲۶۴	۰/۶۶۹	۰/۰۸۹	۱۴/۱۸**
تمایزیافتگی خود- هم آمیختگی	۱/۱۰۸	۰/۹۳۰	۰/۰۴۶	۲۴/۰۶**
ناگویی هیجانی- دشواری در تشخیص	۱	۰/۹۱۱		
ناگویی هیجانی- دشواری در توصیف	۰/۸۴۷	۰/۶۴۲	۰/۰۶۷	۱۲/۶۳**
ناگویی هیجانی- تفکر خارجی	۰/۸۳۹	۰/۶۲۶	۰/۰۶۹	۱۲/۲۸**

نکته: با توجه به این‌که بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به نشانگرهای واکنش‌پذیری و دشواری در تشخیص با عدد ۱ تثبیت‌شده لذا خطای استاندارد و نمرات t برای آن‌ها محاسبه نشده است. جدول ۴-۷ نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر هم آمیختگی (β=۰/۹۳۰) و کوچک‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر تفکر خارجی (β=۰/۶۲۶) است. طبق دیدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۰۷) بارهای عاملی ۰/۷۱ و بالاتر از آن عالی، بارهای بین ۰/۶۳ تا ۰/۷۰ خیلی خوب، بارهای بین ۰/۵۵ تا ۰/۶۲ خوب، بارهای بین ۰/۴۵ تا ۰/۵۵ نسبتاً خوب، بارهای بین ۰/۳۲ تا ۰/۴۴ پایین و بارهای پایین‌تر از ۰/۳۲ ضعیف محسوب می‌شود. بدین ترتیب با توجه به این‌که بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از ۰/۳۲ بوده و بنابراین همه آن‌ها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

پس از اطمینان از برازش مطلوب مدل اندازه‌گیری، در مرحله بعد شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری (شکل ۱) برآورد و مورد ارزیابی قرار گرفت. در مدل ساختاری این پژوهش چنین فرض شده بود که سبک‌های دلبستگی و جو عاطفی خانواده هم به‌صورت مستقیم و هم با میانجیگری تصویر بدنی و تمایزیافتگی خود بر ناگویی هیجانی اثر دارد. چگونگی برازش مدل ساختاری با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت و نتایج نشان داد که مدل ساختاری با داده‌های گردآوری‌شده برازش قابل‌قبول دارد(۷۱/۰۴ = (۳۷ = df، ۳۸۸ = N)، χ^2/df=۱/۹۲، CFI =۰/۹۵۷، GFI =۰/۹۰۰، AGFI =۰/۹۴۱ و RMSEA =۰/۰۷۱). بدین ترتیب

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

چنین نتیجه‌گیری شد که مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری‌شده برازش دارد. جدول ۵ ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تحلیل اثرات: اثرات استانداردشده مستقیم، غیرمستقیم و کل

متغیرهای علی	ضرایب مسیر	تصویر بدنی	تمایزیافتگی خود	ناگویی هیجانی
جو عاطفی خانواده	مستقیم	۰/۳۴۷ **	۰/۲۳۳ **	۰/۰۵۱
	غیرمستقیم	–	–	−۰/۱۶۶**
	کل	–	–	−۰/۱۱۶*
سبک دلبستگی اضطرابی	مستقیم	−۰/۲۳۳ *	−۰/۵۴۶ **	۰/۱۷۸ **
	غیرمستقیم	–	–	۰/۲۲۹**
	کل	–	–	۰/۴۰۷**
سبک دلبستگی نزدیک بودن	مستقیم	۰/۲۶۰ **	۰/۲۳۳ **	−۰/۲۸۴**
	غیرمستقیم	–	–	−۰/۱۴۲ **
	کل	–	–	−۰/۴۲۶**
سبک دلبستگی وابستگی	مستقیم	−۰/۰۵۰	۰/۰۸۷	−۰/۳۳۱ **
	غیرمستقیم	–	–	−۰/۰۱۲
	کل	–	–	−۰/۳۴۳ **
تصویر بدنی	مستقیم	–	–	−۰/۲۲۷**
	غیرمستقیم	–	–	–
	کل	–	–	–
تمایزیافتگی خود	مستقیم	–	–	−۰/۳۰۱**
	غیرمستقیم	–	–	–
	کل	–	–	–
*P <۰/۰۵ ،**P <۰/۰۱				

جدول ۵ نشان می‌دهد که ضریب مسیر کل (مجموع ضرایب مسیر مستقیم و غیرمستقیم) بین سبک دلبستگی اضطرابی و ناگویی هیجانی (p<۰/۰۱، β=۰/۴۰۷) مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. ضریب مسیر کل بین دلبستگی نزدیک بودن (p<۰/۰۱، β=−۰/۴۲۶) و وابستگی (p<۰/۰۱، β=−۰/۳۴۳) با ناگویی هیجانی منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. ضریب مسیر کل بین سبک جو عاطفی خانواده و ناگویی هیجانی (p<۰/۰۵، β=−۰/۱۱۶) منفی و در سطح ۰/۰۵ معنادار است. جدول ۴-۸ نشان می‌دهد که ضریب مسیر بین تمایزیافتگی خود و ناگویی هیجانی (p<۰/۰۱، β=−۰/۳۰۱) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. ضریب مسیر بین تصویر بدنی و ناگویی هیجانی (p<۰/۰۱، β=−۰/۲۲۷) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی اضطرابی و ناگویی هیجانی (p<۰/۰۱، β=۰/۲۲۹) مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است و ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی نزدیک بودن و ناگویی هیجانی (p<۰/۰۱، β=−۰/۱۴۲) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ اما همچنان که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود در مدل پژوهش دو میانجی (تمایزیافتگی خود و تصویر بدنی) وجود دارد.

به‌منظور تعیین معناداری یا عدم معناداری نقش میانجی‌تر هر یک از دو متغیر میانجی از فرمول بارون و کنی استفاده شد. استفاده از فرمول بارون و کنی نشان داد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی اضطرابی و ناگویی هیجانی از طریق تمایزیافتگی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است (P<۰/۰۱، β=۰/۱۶۵). ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی نزدیک بودن و ناگویی هیجانی از طریق تمایزیافتگی منفی و در

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

سطح ۰/۰۱ معنادار است (β=-۰/۰۶۹،P <۰/۰۱). ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی اضطرابی و ناگویی هیجانی از طریق تصویر بدنی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است (β=۰/۰۶۴،P <۰/۰۱). ضریب مسیر غیرمستقیم بین سبک دلبستگی نزدیک بودن و ناگویی هیجانی از طریق تصویر بدنی منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود (β=-۰/۰۶۹،P <۰/۰۱). ضریب مسیر غیرمستقیم بین جو عاطفی خانواده و ناگویی هیجانی از طریق تمایزیافتگی خود منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است (β=-۰/۰۶۹،P <۰/۰۱). ضریب مسیر غیرمستقیم بین جو عاطفی خانواده و ناگویی هیجانی از طریق تصویر بدنی منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است (β=-۰/۰۹۸،P <۰/۰۱).

شکل ۱، مدل ساختاری پژوهش در تبیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی، جو عاطفی خانواده، تمایزیافتگی خود، تصویر بدنی و ناگویی هیجانی را نشان می‌دهد.

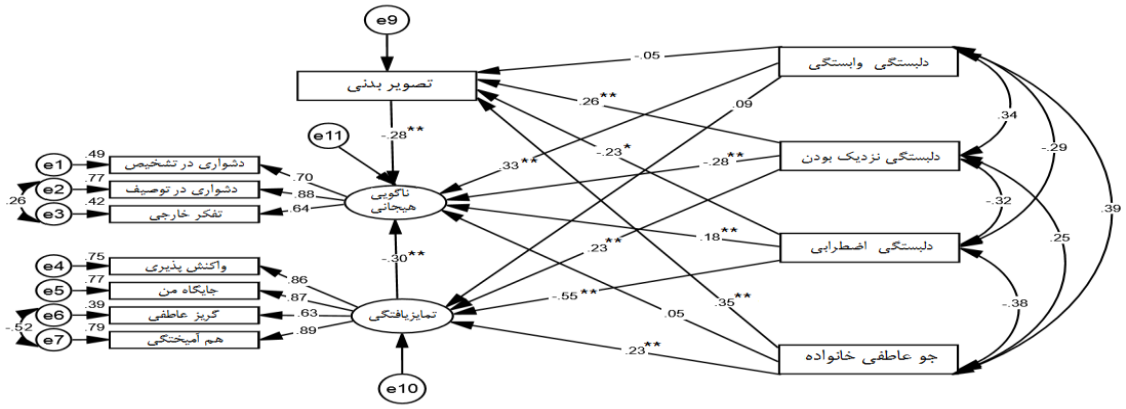

شکل ۱. مدل ساختاری پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تحلیل معادلات ساختاری ناگویی هیجانی بر اساس جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری تمایزیافتگی و تصویر بدنی انجام شد. در آزمون فرضیه اول نتایج نشان داد که سبک دلبستگی اضطرابی به‌صورت مثبت و دو سبک وابستگی و نزدیک بودن به‌صورت منفی و معنادار بر ناگویی هیجانی اثر دارد؛ که این یافته با یافته پژوهش‌های مینس و همکاران (۴۶)، طاهری و همکاران (۴۷)، در یک راستا بوده است و در تبیین یافته به‌دست‌آمده می‌توان بیان نمود حساسیت و پاسخ‌دهی مراقب اولیه به حالت‌های هیجانی کودک تعیین کنندهٔ اصلی یادگیری روش تنظیم عواطف و رابطه با دیگران است (۴۶). کودکان ایمن پاسخ‌دهی بهینه و منسجم را از مراقب اولیه تجربه می‌کنند و می‌آموزند که ابراز متعادل هیجان‌ها پیامدهای مثبت دارد. بر این اساس، حساسیت و پاسخ‌دهی مادرانه، که درعین‌حال از مقدمات دلبستگی ایمن محسوب می‌شود بااهمیت است. افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن، در مقایسه با ایمن‌ها سطوح پایین‌تری از عواطف مثبت را تجربه می‌کنند و در توانایی مدیریت استرس، اضطراب، افسردگی و سایر عواطف منفی ناتوان‌اند (۴۸).

بر اساس فرضیه دوم پژوهش جو عاطفی خانواده به‌صورت معنادار بر ناگویی هیجانی اثر دارد؛ و این بامطالعه مینس و همکاران (۴۶)، ژیل و همکاران (۴۹) همسو بوده است. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند تجربه‌های کودک با مراقبانی که هیجان‌های خود را بروز نمی‌دهد، یا کسانی که هیجان‌های درحالی‌که تحول و شکل‌گیری کودک را به رسمیت نمی‌شناسند و با هیجان‌های کودک خوب رفتار نمی‌کنند، تأثیری عمیق بر تنظیم عاطفه در مراحل بعدی زندگی کودک دارد (۵۰) و همین‌طور عملکرد و جو عاطفی سالم در خانواده‌ی اصلی به فرزندان کمک می‌کند تا هیجانات خود را بهتر تنظیم و ابراز کنند پرواضح است افرادی که در یک سیستم عاطفی و خانوادگی سالم، ترغیب می‌شوند که عواطف خود را عمیقاً تجربه کنند احتمال اینکه در سنین بالاتر نشانه‌های ناگویی هیجانی در آن‌ها دیده شود کمتر است (۵۱).

فرضیه سوم پژوهش که رابطه‌ی تمایزیافتگی و ناگویی هیجانی را معنادار گزارش می‌کند با نتایج پژوهش کولیج و

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

همکاران (۵۲) همسو است. تمایزیافتگی فرد را قادر می‌سازد که بین عملکرد عقلانی و هیجانی خود از یک‌سو و روابط صمیمانه و یا خصمانه خود تعادل ایجاد کنند (۵۳) و ازنظر هیجانی ظرفیت بالاتری برای نزدیکی و صمیمیت دارند و در موقعیت‌های تنش‌زا بهتر عمل کنند. به نظر بوئن، درجه ظهور خود تمایزیافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی او برای تمیز فرایند عقلی از فرایند احساسی هیجانی است که وی تجربه می‌کند. افرادی که بیشترین امتزاج را بین افکار و احساساتشان دارند. نمی‌توانند هیجان‌های خود را به‌راحتی تجربه کنند و آن‌ها را بشناسند تفکیک در معنای بوئنی آن، بیشتر یک فرایند است تا هدفی دست‌یافتنی (۵۴) و به دلیل مشکلات در تمایز، توصیف و تنظیم احساسات از شناخت یا تمایز از هیجان‌های دیگر، برانگیختگی فیزیولوژیکی در موقعیت تنش‌زا فعال باقی می‌ماند و به حالت کمون یا فرونشینی برنمی‌گردد و در این صورت فرد مستعد انواع اختلالات روان‌شناختی و جسمی می‌شود (۵۵). درحالی‌که افراد با سطوح بالای تمایزیافتگی به‌راحتی می‌توانند احساسات و هیجان‌های خود را از عقلانیتشان جدا کنند و آن را ابراز کنند و در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی قادر به استفاده از نظام عقلانی خود هستند (۴۳).

بررسی فرضیه‌ی چهارم پژوهش نیز مؤید ارتباط معنادار بین تصویر بدنی و ناگویی هیجانی بود و این یافته با یافته‌های پژوهش‌های میردریکوندو همکاران (۵۶)، پژوهش سبزواری و همکارانش (۳۱) همسو بوده است در تبیین این یافته می‌توان گفت که هنگامی‌که افراد به توصیف احساس، عواطف و هیجانات خود می‌پردازند آن‌ها می‌توانند محتوای تجربه‌شان را به‌صورت کلامی ابراز کنند و به‌راستی به‌جای آنکه به بدنشان برچسب خوب یا بد بزنند، با جزییات بیشتری به توصیف احساسات و هیجانات خود در مورد بدنشان می‌پردازند و احساسات و هیجانات را به روشی که روشن‌تر است تجربه می‌کنند و این باعث می‌شود سپاس‌داری و پذیرش بیشتری نسبت به بدنشان داشته باشند و از این طریق چه‌بسا تصویر ذهنی از بدن در این افراد بهتر خواهد شد. البته تبیین‌های قاطع‌تر در این زمینه نیازمند پژوهش‌های تجربی بیشتر و با تأکید بر اختلال‌های هیجانی است که در ارتباط نزدیک با تصویر بدنی قرار دارند.

فرضیه‌ی پنجم نیز حاکی از اثر معنادار سبک‌های دلبستگی با میانجیگری تمایزیافتگی بر ناگویی هیجانی است که با نتایج پژوهش‌های بشارت (۵۷) همسو است و در تبیین این نتیجه می‌توان گفت ازآنجاکه سبک‌های دلبستگی افراد از طریق تعامل مادر-کودک شکل می‌گیرد و افراد تمایزیافته یا خود متمایز درواقع آن‌هایی هستند که در این تعامل به‌گونه‌ای پرورش‌یافته‌اند که به دلیل شکل‌گیری پایگاه امن و رفتار اکتشافی (که نمایانگر جنبه‌هایی از خود مستقل و متمایز از والد است) می‌تواند کاملاً تمایزیافته از دلبستگی اولیه‌ی خود عمل کند و ازنظر هیجانی به دلیل گسلش عاطفی (که از مؤلفه‌های تمایزیافتگی است) ارتباط نزدیکی باتجربه‌های احساسی و هیجانی خود دارد و می‌تواند به بیان آن‌ها بپردازد اما دران روی سکه فرض بر این است که دشواری در توصیف کلامی احساسات و علائم بدنی هسته مرکزی اختلال شخصیت مرزی است که در سبک دلبسته ناایمن-مقاوم به دلیل عدم شکل‌گیری خود متمایز و دمدمی‌مزاجی که حاصل سبک دلبستگی است می‌توان این خصیصه (ناگویی هیجانی) را دید و وقتی افراد در خانواده‌های ایمن رشد می‌کنند و در بیان هیجان‌ها حمایت می‌شوند، می‌آموزند که چگونه هیجان‌ها را تجربه و شناسایی کنند (۱۲).

در آزمون فرضیه‌ی ششم پژوهش چنین نتیجه‌گیری شد که تصویر بدنی اثر سبک دلبستگی اضطرابی بر ناگویی هیجانی را به‌صورت مثبت و اثر سبک دلبستگی نزدیک بودن بر ناگویی هیجانی را به‌صورت منفی و معنادار میانجی‌گری می‌کند. پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که جو عاطفی خانواده و سبک‌های دلبستگی در بزرگ‌سالی، هم با ناگویی هیجانی رابطه دارند (۵۷) و هم تمایزیافتگی (۳۳) و تصویر بدنی (۳۱) را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در تبیین آن می‌توان گفت تصویر بدنی ساختاری چندبعدی است که شامل ادراک، شناخت، هیجان و رفتارهایی است که فرد نسبت به شکل ظاهری خود دارد که این مجموعه خود می‌تواند شکل‌گرفته از انتقال نگرش مادر به فرزند خود در خلال کیفیت و کمیت درزمینه های نیازهای کودک؛ آغوش گرفتن، غذا دادن، نوازش کردن و رفع نیازهای او باشد، بعدها تأیید یا عدم‌تأیید او نیز به‌واسطه‌ی احساس آرامش و امنیتی که فرزند نسبت به وجود خود حس می‌کند یا خیر، می‌تواند بر کلام فرد تأثیر بگذارد. کلامی که می‌تواند برای بیان احساسات و هیجانات کارکردی مؤثر داشته باشد مثلاً زمانی که فرد تصور می‌کند بدن وی مطابق با انتظارات اطرافیان نیست خود را حقیر می‌شمارد که می‌تواند ناشی از سبک دلبستگی ناایمن در دوران کودکی فرد شکل می‌گیرد؛ مانند نوجوانانی که به‌جای اینکه احساس

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

امنیت را در ابراز هیجانات مثبت و منفی و تجربه‌ی این هیجانات جست‌وجو کنند با تلاش‌های افراطی در زیباسازی بدنی و اندامی سعی در کسب امنیتی دارند که در دلبستگی اولیه فرد آن‌گونه که باید کسب نشده است.

در فرضیه‌ی هفتم نیز چنین نتیجه‌گیری شد که تمایزیافتگی خود اثر جو عاطفی خانواده بر ناگویی هیجانی را به‌صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند؛ که این با نتایج پژوهش‌های کاروکیوی و همکاران (۲۴) کلی و کیمنسکینی (۱۸) و رحیمی و همکاران (۱۷) همسو است نحوه تعامل والدین باهم و همچنین با فرزندان در شکل‌گیری جو عاطفی خانواده تأثیر داشته و از طریق ایجاد فرایند گسلش عاطفی بهنجار و سالم و ایجاد تمایزیافتگی می‌تواند در بازخورهای هیجانی و رفتاری در مواقع خاص تأثیرگذار باشد والدینی که در یک جو عاطفی ناسالم هیجان‌های در حال تحول و شکل‌گیری کودک را به رسمیت نمی‌شناسند و با هیجان کودک خوب رفتار نمی‌کنند، می‌توانند تأثیر عمیق بر تنظیم عاطفه و هیجان در مراحل بعدی زندگی داشته باشند زیرا این کودکان از بند پیوندهای هیجانی حل‌نشده خانواده اصلی رهایی نمی‌یابند و دلبستگی‌های عاطفی ناگشوده از خانوادهٔ اصلی به کیفیت تجارب هیجانی و عدم ابراز هیجان در مراحل دیگر رشدی فرد تسری می‌یابد.

درنهایت آزمون فرضیه‌ی هشتم نشان می‌دهد که تصویر بدنی اثر جو عاطفی خانواده بر ناگویی هیجانی را به‌صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند و این با یافته‌های سبزواری و همکارانش (۳۱) در یک راستا است و در تبیین آن می‌توان گفت جو خانواده از طریق پیام‌هایی که مراقبین به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به‌طور مستمر می‌دهند که درواقع تعیین‌کننده‌ی میزان پذیرش کودک نسبت به کیفیت رشد جسمی، شناختی و هیجانی اوست ابراز یا ناگویی هیجانی را می‌تواند برای کودک به همراه آورد به‌طور مثال بچه‌هایی که در خانواده‌های رشد می‌کنند که دیکتاتورند و درعین‌حال به‌گونه‌ای مداوم به آنان پیام بی‌کفایتی و ناارزنده بودن مخابره می‌شود بچه‌ها سرکوب می‌شوند و گاه طرد می‌شوند به احساسات و عواطفشان توجه نمی‌شود بنابراین خود نیز در فرایند برقراری تماس و بیان هیجانات خود با مشکل مواجه می‌شوند. برای تبیین روشن‌تر از تصویر بدنی به‌عنوان متغیر میانجی نیاز به مطالعات بیشتر در این زمینه است.

محدودیت جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم‌یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت شناختی متغیرهای موردبررسی مطرح می‌کند که باید درنظرگرفته شود. به دلیل شیوع بیماری کرونا، دسترسی حضوری به افراد نمونه جهت تکمیل پرسشنامه‌ها امکان‌پذیر نبود و نمونه‌گیری به‌صورت غیرتصادفی انجام شد.

برای بررسی دقیق‌تر نتایج، پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌هایی متنوع‌تری از نوع کیفی و آمیخته در زمینهٔ بررسی نوع و کیفیت ارتباط متغیرهای سبک‌های دلبستگی، جو خانواده، تمایزیافتگی و تصویر بدنی با ناگویی هیجانی انجام شود. همچنین مطالعاتی ازاین‌دست در نمونه‌های بالینی شامل نمونه‌های دچار اختلال‌های روان‌شناختی، اختلال‌های شخصیت و مشکلات خانوادگی و بین شخصی، نیز انجام گیرد. پیشنهاد می‌گردد، ابعاد ناتوان‌کننده ناگویی هیجانی در سطح جامعه و در حوزه روان (روانشناسی اجتماعی) موردمطالعه قرار گیرد و به‌دوراز کلیشه‌های سنتی موجود در جامعه (مانند « مرد گریه نمی‌کند») افراد در اوان کودکی به بیان و ابراز عواطف و هیجاناتشان تشویق شوند.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشد. بدین‌وسیله از اساتید راهنما و مشاور و تمامی کسانی که در انجام این پژوهش مشارکت داشتند، قدردانی و تشکر می‌گردد.

References

1. Fani Sobhani F, Khalatbari J, Rahmati S. Effectiveness of Cognitive Behavioral Therapy based on body image on sexual satisfaction and marital adjustment of married infertile women. Journal of Applied Psychology. 2018;12(1):25-46. [Persian].
2. Rosen JC. Body-image disorder: Definition, development, and contribution to eating disorders. The etiology of bulimia nervosa: Taylor & Francis; 2013. p. 173-94.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

3. Sujoldžić A, De Lucia A. A cross-cultural study of adolescents–BMI, body image and psychological well-being. Collegium antropologicum. 2007;31(1):123-30.
4. Izgiç F, Akyüz G, Doğan O, Kuğu N. Social phobia among university students and its relation to self-esteem and body image. The Canadian journal of psychiatry. 2004;49(9):630-4.
5. Kornblau IS, Pearson HC, Breitkopf CR. Demographic, behavioral, and physical correlates of body esteem among low-income female adolescents. Journal of Adolescent Health. 2007;41(6):566-70.
6. Moayed F, Haji Ali Akbari Mehrizi S, Hobbi MB. The role of Alexithymia in marital conflicts in women who apply for divorce in Tehran. Women and Family Studies. 2018;11(42):125-40. [Persian].
7. Bertoni A, Bodenmann G. Satisfied and dissatisfied couples. European Psychologist. 2010.
8. Karukivi M, Tolvanen M, Karlsson L, Karlsson H. Is alexithymia linked with marital satisfaction or attachment to the partner? A study in a pregnancy cohort of parents-to-be. Comprehensive psychiatry. 2014;55(5):1252-7.
9. Chen J, Xu T, Jing J, Chan RC. Alexithymia and emotional regulation: A cluster analytical approach. BMC psychiatry. 2011;11(1):1-6.
10. oqbaee s, kakavand a, bahrami hidachi m. The relationship between depression and internet addiction with intervention of alexithymia. Journal of Psychological Studies. 2018;14(1):163-81. [Persian].
11. Hesse C, Mikkelson AC, Saracco S. Parent–child affection and helicopter parenting: Exploring the concept of excessive affection. Western Journal of Communication. 2018;82(4):457-74.
12. AP, Steffgen G, Vögele C. The role of alexithymia in parent–child interaction and in the emotional ability of children with autism spectrum disorder. Autism Research. 2019;12(3):458-68.
13. Raikes HA, Thompson RA. Family emotional climate, attachment security and young children's emotion knowledge in a high risk sample. British Journal of Developmental Psychology. 2006;24(1):89-104.
14. Saberi Fard F, Hajiarbabi F. The relationship between family emotional climate with emotional self-regulation and resilience in university's students. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2019;6(1):49-63. [Persian].
15. Ladd GW, Pettit GS. Parenting and the development of children's peer relationships. 2002.
16. Zarei S, Masomi T. mediating role of emotional intelligence in the relationship between family emotionalclimate and achievement motivation. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2018;4(4):57-68. [Persian].
17. Rahimi M, Vaezfar SS, Jayervand H. Simple and Multiple Relationships with Family Emotional Climate of Tolerance for Ambiguity and Cognitive Creativity. Journal of Innovation and Creativity in Human Science. 2015;5(2):147-64. [Persian].
18. Kelly EJ, Kaminskienė N. Importance of emotional intelligence in negotiation and mediation. International Comparative Jurisprudence. 2016;2(1):55-60.
19. Roque L, Veríssimo M. Emotional context, maternal behavior and emotion regulation. Infant Behavior and Development. 2011;34(4):617-26.
20. Lyvers M, Mayer K, Needham K, Thorberg FA. Parental bonding, adult attachment, and theory of mind: A developmental model of alexithymia and alcohol-related risk. Journal of clinical psychology. 2019;75(7):1288-304.
21. Kooiman CG, van Rees Vellinga S, Spinhoven P, Draijer N, Trijsburg RW, Rooijmans HG. Childhood adversities as risk factors for alexithymia and other aspects of affect dysregulation in adulthood. Psychotherapy and psychosomatics. 2004;73(2):107-16.
22. Montebarocci O, Codispoti M, Baldaro B, Rossi N. Adult attachment style and alexithymia. Personality and Individual differences. 2004;36(3):499-507.
23. Iwaniec D. The emotionally abused and neglected child: Identification, assessment and intervention: A practice handbook: John Wiley & Sons; 2006.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

24. Karukivi M, Joukamaa M, Hautala L, Kaleva O, Haapasalo-Pesu K-M, Liuksila P-R, et al. Does perceived social support and parental attitude relate to alexithymia? A study in Finnish late adolescents. Psychiatry research. 2011;187(1-2):254-60.
25. Skowron EA, Stanley KL, Shapiro MD. A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. Contemporary Family Therapy. 2009;31(1):3-18.
26. Lohan A, Gupta R. Relationship between Differentiation of Self and Marital Adjustment in Indian Couples. Journal of Psychosocial Research. 2016;11(1).
27. Ross AS, Murdock NL. Differentiation of self and well-being: The moderating effect of self-construal. Contemporary Family Therapy. 2014;36(4):485-96.
28. Amato PR. Marriage, cohabitation and mental health. Family Matters. 2014(96):5-13.
29. Drake JR. Differentiation of self inventory-short form: creation and initial evidence of construct validity: University of Missouri-Kansas City; 2011.
30. Ingoglia S, Lo Coco A, Liga F, Grazia Lo Cricchio M. Emotional separation and detachment as two distinct dimensions of parent—adolescent relationships. International Journal of Behavioral Development. 2011;35(3):271-81.
31. Sabzevari P, Ghanbari S, Nazarboland N, Lavaf H. The Relationship between Family Function and Body Image in Adolescent Girls: Intermediate Role of Perfectionism. Rooyesh-e-Ravanshenasi. 2018;7(9):21-100. [Persian].
32. Mansouri J, Besharat M, Gharibi H. Predicting alexithymia based on attachment styles and perfectionism dimensions. The Journal Of Psychological Science. 2019;18(81):981-90. [Persian].
33. Ameri PD, F. Amooi N. The Role of Family Functioning in the Extent of Experienced Identity Crisis and Differentiation Levels of Adolescents. Quarterly Journal Of Family and Research. 2016;13(1):77-92.
34. Schumacker E, Lomax G. A Beginner's Guide to Structural Equation Modeling. 4th edtn. New York, NY: Routledge; 2016.
35. Shah Qalyan M, Moradi A, Kafi SM. Instrumental styles of emotion and general health in students, Journal of Psychiatry and Psychology. Journal of Clinical Iran Psychiatry and Psychology. 2007;13(3):248-38. [Persian].
36. Issazadegan A, Fathabadi J. The role of cognitive emotion regulation strategies and general health in alexithymia. 2012;8(31):257-67. [Persian].
37. momeni k, abbasi m, pirani z, beyghiyan mj. The Role of emotionality and affective atmosphere of family in prediction of Students' Educational Engagement. Biquarterly Journal of Cognitive Strategies in Learning. 2017;5(8):159-82. [Persian].
38. Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. Journal of personality and social psychology. 1990;58(4):644.
39. Nikoogoftar M. The role of attachment style and health control center on self-care behaviors of patients with diabetes. Iranian Journal of Diabetes and Lipid Disorders. 2013;12(4):309-16. [Persian].
40. Skowron EA, Schmitt TA. Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. Journal of marital and family therapy. 2003;29(2):209-22.
41. Sharifi H, Manavipour D, Askar F. Psychometric properties of the differentiation of self inventory. Journal of Industrial/Organization Psychology. 2014;5(18):9-22. [Persian].
42. Yosefi N, Amani A, Hosseini S. A study of the relationship between family function and test anxiety and the mediating role of differentiation among students. Journal of School Psychology. 2017;5(4):52-74. [Persian].
43. Rezaeian H, massumy s, hosseinian s. The study and comparison self-differentiation, communication patterns, and sexual satisfaction in divorce-seeking and normal couples. Biannual Journal of Applied Counseling. 2018;7(2):17-32. [Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]

44. Souto CMRM, Garcia TR. Construction and validation of a body image rating scale: a preliminary study. International Journal of Nursing Knowledge. 2002;13(4):117.
45. Taheri Torbati H, Bolghan-Abadi M, Ghoddosi Tabar M. Preliminary Psychometric Properties of Satisfaction with Body Image J Res Behave. 2014;11(6):522-31. [Persian].
46. Meins E, Harris-Waller J, Lloyd A. Understanding alexithymia: Associations with peer attachment style and mind-mindedness. Personality and Individual Differences. 2008;45(2):146-52.
47. Taheri F, Shahgholian M, Kashefi Neyshaboori J. The Relationship between Attachment Styles, Ambivalence over Emotional Expressiveness and Alexithymia. Research in Psychological Health. 2014;8(1):31-40. [Persian].
48. Harden BJ. Safety and stability for foster children: A developmental perspective. The future of children. 2004:31-47.
49. Gil FP, Weigl M, Wessels T, Irnich D, Baumüller E, Winkelmann A. Parental bonding and alexithymia in adults with fibromyalgia. Psychosomatics. 2008;49(2):115-22.
50. Koren-Karie N, Oppenheim D, Yuval-Adler S, Mor H. Emotion dialogues of foster caregivers with their children: The role of the caregivers, above and beyond child characteristics, in shaping the interactions. Attachment & human development. 2013;15(2):175-88.
51. Renzaho A, de Silva-Sanigorski A. The importance of family functioning, mental health and social and emotional well-being on child oral health. Child: care, health and development. 2014;40(4):543-52.
52. Coolidge FL, Estey AJ, Segal DL, Marle PD. Are alexithymia and schizoid personality disorder synonymous diagnoses? Comprehensive psychiatry. 2013;54(2):141-8.
53. Bowen M. Family therapy in clinical practice. New York: Jason Aronson. Inc; 1978.
54. Goldenberg H, Goldenberg I. Family therapy: An overview. 2012.
55. Yousefi Z, Sobhani M. The effectiveness of quality-of-life therapy on burnout and it's dimensions among female workers. Quarterly Journal of Career & Organizational Counseling. 2018;10(4):9-30.
56. Mirdrikund F, Adineh M, Sheikhan R. Mental body image and cognitive emotion regulation strategies in adolescents and young people. 9th International Congress on Psychotherapy (Asian Summit in the Context of Cultural Values),; Tehran: Tehran; 2016. p. 57-8. [Persian].
57. Beshart M-A. The mediating role of defense mechanisms in the relationship between attachment styles and Alexithymia. Journal of Applied Psychology. 2012;6(2):7-22. [Persian].

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1400.19.3.6.7]
[DOI: 10.52547/rbs.19.3.439]